

راهکارها و فعالیتهای عدالت محور امام علی (ع) در زمینه اقتصاد

رضا تاج آبادی¹

چکیده :

هدف از ارائه این مقاله بررسی اندیشه ها و راهبردهای عدالت محور امام علی (ع) در تحقق عدالت در اقتصاد می باشد .

این مقاله بصورت مروری ، اسنادی و کتابخانه ای انجام شده است . براساس بیانات امام علی (ع) ، راهبردهای فردی شامل اصلاح الگوی مصرف، زهد، قناعت، کار و تلاش اقتصادی، میانه روی و اعتدال، ایمان و باور به امداد غیبی و ارتقاء کیفیت تولیدات و محصولات می باشد. الگوی اقتصادی دوران کوتاه حکومت امام علی (ع) مصداق جامع والگویی ماندگار از نظام اقتصادی اسلام است ، که با به راه انداختن اصلاحات اقتصادی در سطوح وسیع، تغییر و تحولات عظیمی را در جامعه به وجود آورد که عدالت محوری در اقتصاد تا سالیان متمادی جامعه را دچار تحول نمود . در اندیشه امام علی (ع) ، عدالت شرط لازم و ضروری توسعه ی اقتصادی جامعه است چنانکه بدون عدالت هرگز با افزایش تولید درآمد ، نمی توان رفاه همگانی را به ارمغان آورد بلکه پس از مدتی جامعه به بن بست خواهد رسید .

کلیدواژه: عدالت اقتصادی ، توسعه اقتصاد و بازار اسلامی ، اقتصاد مقاومتی ، امام علی (ع) ، نهج البلاغه .

مقدمه

سیاست اقتصادی در اسلام و به ویژه در اندیشه امام علی (ع) بر مبنای عدالت است ، هدفی که باید به آن دست یافت . پذیرش خلافت از سوی ایشان ، برای برقراری این هدف مقدس بود که برقراری عدالت اقتصادی نیز از آن جمله است . عدالت اقتصادی جز با از بین رفتن فقر در جامعه و رسیدن هر صاحب حقی به حق خودش ، تحقق نمی یابد . (محمدی صیفار، 1393 : ص 227) .

امام علی (ع) در سخنی ، هدف کلی خود را از حکومت ، بر پایی عدالت می داند و می فرماید : " اکنون هر ذلیل ستم دیده ای نزد من عزیز و ارجمند است تا حقش را بگیرم و به او دهم و هر نیرومند سرکش نزد من ناتوان و حقیر است که حق ستم دیدگان را از او بستانم . " (نهج البلاغه ، خطبه 37) .

سخنان امام علی (ع) نشان می دهد تراج بیت المال ، توزیع نا عادلانه آن ، فاصله شدید طبقاتی، اسراف ، اجحاف ، اختلاس و در حکومت پیشین رخ داده و از مواردی است که به شدت از روش و سنت رسول خدا (ص) فاصله گرفته و جامعه را دچار بحران کرده است و سر انجام همین بحران ها ، موجب شورش عده ای بر ضد خلیفه سوم و کشتن او شد . (محمدی صیفار، 1393 : ص 228) .

¹ . کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی و مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان مرکزی -
tajabadireza@yahoo.com تماس 09188601964

پس از شناسایی موارد کثر روی در نظام اقتصادی، اصلاح آن به برنامه ریزی نیازمند است. به باور امام علی (ع) در برنامه ریزی، باید نخست به نظام و ارتباط بخشهای گوناگون آن، نگاه کلان و سپس به هر بخش به صورت جداگانه نگرش خرد داشت. در جامعه قشرهای گوناگونی وجود دارد که با هم در ارتباط و به یکدیگر وابسته اند. اصلاح در بخشی از جامعه مانند اقتصاد در بخش ها و اجزای دیگر آن تاثیر می گذارد. بنابراین، سیاست گذاری کلان، مستلزم در نظر گرفتن تمام اجزا و تاثیر و تاثرهای آنهاست. (محمدی صیفار، 1393: ص 229).

از سوی دیگر، هر بخش یا جزئی از جامعه، خود به صورت نظام و دارای اجزاست و خرده نظامی از نظام کلان به شمار می رود. اصلاح در هر جزء، روشهایی ویژه دارد که از جزء دیگر متفاوت است. آنجا که حضرت، کار ویژه های هر یک از اقشار و وظایف حاکم و زمامدار را بیان می کند، ناظر به همان معنایی است که گفته شد. اندیشه ها، راهبردها و اصلاحات اقتصادی حضرت علی (ع) را با رجوع به نهج البلاغه می توان بیان کرد.

جامعه ی فقیر، جامعه ی مرده ای است که نه دنیا دارد نه آخرت، هیچ نشانه ای از پویایی، رشد، توسعه و شکوفایی در آن یافت نمی شود. دلیل عمده ی فقر، طبقاتی بودن جامعه و فقدان عدالت است. یکی از پیش شرط های اصلی تکامل جامعه ی انسانی، دستیابی جامعه به رفاه نسبی اقتصادی است. حضرت علی (ع) پس از به حکومت رسیدن، سیاستهایی قاطع و سرسختانه در مورد بیت المال و امور مالی و درآمدی دولت در پیش گرفت. توزیع ثروت در جامعه اسلامی با زمامداری ایشان، دوباره به سنت و روش پیامبر اکرم (ص) بازگشت. (قاسمی، 1393: ص 37).

سیاستهای اقتصادی امام علی (ع) برای تحقق اهداف اقتصادی، راهکارهایی را برنامه ریزی کرد. برخی از این سیاست ها در دوران حکومت حضرت به مرحله اجرا گذاشته شد و پاره ای نیز در برنامه کار کارگزاران حکومت قرار گرفت. ابزارها در یک تقسیم بندی کلی شامل رهنمودهای اخلاقی - معنوی، ابزارهای کیفی و ابزارهای کمی می شود. رهنمودهای اخلاقی - معنوی، مهمترین ابزار سیاستهای اقتصادی دولت علوی را تشکیل می داد. این ابزار هر چند پایه و اساس قانونی به خود نگرفتند، ریشه در اعتقادات مردمی داشتند که بیش از سه دهه از دوره پیامبر (ص) فاصله نگرفته بودند و هنوز تحول عظیم اعتقادی و اخلاقی از ذهن آنان محو نشده بود. بنابراین فرهنگ سازی، احیای مجدد اخلاقیات، اعتقادات و مبارزه با کج اندیشی ها، محور سیاست گذاری امام علی (ع) بوده است. اندیشه اقتصادی در نزد امام (ع) بر پایه مسئولیت پذیری استوار بوده است. ایشان در برابر فقرا و مستمندان مسئول است تا غبار تنگدستی را از چهره آنان بزدايد. اصل تلاش و جدیت بر پایه مسئولیت استوار است. کار کردن از ارکان هر اقتصادی است و امام (ع) با بیان اهمیت کار در فرهنگ اسلامی، مردم را به کار و تلاش، بیشتر ترغیب می کرد. (افشار، 1390: ص 245).

در این مقاله تلاش می شود راجع به راهکارها، سیاستهای هوشمندانه امام علی (ع) در باره عدالت اقتصادی بحث شود.

بیان مسئله

به دنبال سستی ها، سهل انگاری ها و حسادت ها و خودخواهی های برخی از اصحاب پیامبر (ص) جامعه ی اسلامی پس از رحلت نبی اکرم (ص) تا 25 سال در حال رکود و از دست دادن ارزشها و دستاوردهای دوران بعثت و هجرت به سر می برد. طی این دوران

نسبتاً طولانی، نابسامانی‌هایی همچون تعطیلی حدود الهی، فساد اخلاقی و اداری، از بین رفتن حرمت احکام اسلامی، اجتهاد در برابر نص، فراموشی سنت پیامبر (ص) و تغییر الگوهای رفتاری جامعه رخ نمود. یکی از مهمترین این نابسامانیها، شکاف روزافزون طبقاتی در بهره‌مندی از امکانات مادی بود. سیر حرکت حکومت اسلامی در دوران خلفا به گونه‌ای بود که عده‌ی محدودی با کمترین تلاش، به بیشترین رفاه دست یافته بودند ولی اکثر قشرهای جامعه روز به روز بر محرومیت‌شان اضافه می‌شد. نظام به گونه‌ای اداره می‌شد که خواص اصحاب در اندک زمانی از راههای به ظاهر قانونی به ثروتهای کلانی دست یافتند اما قشرهای پایین و توده‌ی مردم همواره در تهی دستی و نداری باقی می‌ماندند. (افشار، 1392: ص 72).

روزی که امام علی (ع) حکومت را به دست گرفتند عایدات فتوحات قلمروهای ثروتمند عراق، ایران، شام و مصر جامعه اسلامی را در وضع مطلوبی قرار داده بود اما در عین حال عده‌ی زیادی از مردم با مشکلات معیشتی جدی روبه‌رو بودند و در تنگ دستی روزگار می‌گذراندند. از اینرو علی بن ابیطالب (ع) به محض تصدی منصب خلافت، روند رو به رشد فتوحات را تا حد زیادی متوقف ساختند و توزیع عادلانه و برابر درآمد ناشی از فتوحات و مصادره اموال ثروت‌های بادآورده‌ی نا مشروع را در اولویت نخست اصلاحات اقتصادی خود قرار دادند. (افشار، 1392: ص 71).

پیشینه تحقیق

مهدوی سیرت (1393) در پایان نامه خویش با نام الگوی اقتصاد مقاومتی در نهج البلاغه، اظهار کرده است که در پژوهش حاضر به استخراج الگوی اقتصاد مقاومتی، با تکیه بر آموزه‌های نهج البلاغه، اهتمام شده است. روش پژوهش تحلیل محتوا به شیوه توصیفی است. به دلیل رابطه‌ای که بین تحریم اقتصادی و اقتصاد مقاومتی وجود دارد ابتدا به تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و تحریم اقتصادی و اثر تحریم بر اقتصاد برخی کشورهای مختلف، پرداخته شده است، سپس زمینه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی از بین فرمایشات امیرالمومنین (علیه السلام) استنباط و استخراج گردیده است. فرهنگ سازی عمومی، تقویت ایمان و تقوا، روحیه جهادی، حفظ عزت و کرامت انسانی و اخلاق حرفه‌ای به عنوان زمینه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی بیان گردیده است. اقتصاد مردمی، اقتصاد دانش بنیان و شکوفائی بخش‌های مهم اقتصادی (زراعت، صنعت و تجارت) الزاماتی برای دست‌یابی به رفاه عمومی، رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، استقلال اقتصادی و امنیت اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی از دیگر دست‌آوردهای این پژوهش است.

جلالی پور (1394) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه امام علی (ع) با تاکید بر نهج البلاغه" بیان داشته است که یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر و بیشتر در کشورهای مسلمان مورد توجه قرار گرفته است ارائه یک نظام اقتصادی جایگزین به جای سیستم اقتصادی غربی می‌باشد، به این دلیل که اقتصاد سرمایه‌داری غرب در حل مشکل فقر و از بین بردن بسیاری از ناهماهنگی‌های اقتصادی شکست‌خورده است. از سوی دیگر، آسیب‌ها و چالش‌های فراوانی که در حوزه اقتصاد کشورهای در حال توسعه وجود داشته و دارد از جمله: مصرف‌گرایی، اسراف بی‌رویه و نداشتن الگوی مصرف، پایین بودن ساعات کار مفید در کشور، بالا بودن نرخ بیکاری، پایین بودن نرخ بهره‌وری، مشکلات معیشتی مردم به ویژه طبقات محروم، تفاخر به مصرف کالاهای خارجی، تجمل‌گرایی برخی از مسئولان و مردم، پایین بودن وجدان کاری، دلالتی و واسطه‌گری، ضعف توسعه در حوزه کشاورزی

وسایر مشکلات، یکی از دغدغه‌های اصلی انقلاب اسلامی و رهبر فرزانه انقلاب بوده است. به همین دلیل نظریه اقتصاد مقاومتی یا مقاوم‌سازی اقتصاد از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد که در صورت تحقق، راهگشای بسیاری از مشکلات اقتصادی است.

اشرفی امین (1396) در پایان نامه دکترای خود تحت عنوان "شاخص‌های پیشتازی و ایستایی اقتصادی مسلمانان در چهار دهه نخست هجری در پرتو نهج البلاغه" بیان کرده است که اهمیت بحث در چهار دهه نخست هجری در نزدیک بودن پیاده‌سازی آموزه‌های قرآن و پیامبر (ص) در عرصه اقتصادی از سوی مسئولان بوده و شایسته‌ترین فرد برای این امر، حضرت امام علی علیه السلام به شمار می‌رود. این بررسی معطوف به حوزه اقتصاد خواهد بود؛ گرچه مباحث اقتصادی با عرصه‌های دیگر همچون فرهنگ و سیاست ارتباط تنگاتنگی دارد. با اینکه محوریت این رساله با نهج البلاغه خواهد بود، ولیکن در تبیین و تحلیل مطالب از تفاسیر قرآنی، کتب حدیثی، کتب تاریخی و برخی کتاب‌های نوشته شده در حوزه اقتصاد نیز بهره برده خواهد شد. رشد اقتصادی به افزایش درآمد ملی از طریق ازدیاد کمی تولید کالاها و خدمات اقتصادی با نرخ معین (6 درصد به بالا) گفته می‌شود. گرچه ممکن است رشد اقتصادی الزاماً همراه بهبود زندگی مردم نباشد. ولیکن توسعه اقتصادی بهبود کیفی زندگی توده‌های مردم را نیز به دنبال دارد. گرچه سازمان‌های بین‌المللی برای تشخیص و اندازه‌گیری توسعه اقتصادی، شاخص‌هایی را ارائه کرده‌اند، ولیکن آنها نیازمند بازنگری و بومی‌سازی است و بخشی از آنها با اقتضات جامعه مسلمانان سازگاری ندارد.

عدالت اقتصادی، کارایی و رفاه از دیدگاه حضرت علی (ع)

با توجه به مواضع امیرمومنان (ع) درباره عدالت اقتصادی و جایگاه آن، همچنین احکام و نکاتی که در زمینه ترک اسراف و اتلاف منابع، پشت کار و تخصص در فعالیت‌ها و آثار معنوی رعایت حقوق الهی و عدالت به ما رسیده است می‌توانیم موقعیتی کارا همراه با عدالت و رعایت حقوق داشته باشیم و اگر در موقعیتی، مطلوبیت کمتری حاصل شد با توجه به مطلوبیتی که از امور معنوی مانند انفاق، عمل به احکام شرعی و جلب رضایت پروردگار برای افراد به دست می‌آید و با قبول این مطلب که حس عدالت خواهی و رعایت حقوق، عامل افزایش ارزاق، برکات و خیرات است، سر جمع مطلوبیت مادی، معنوی افراد از موقعیتهای دیگر، فزونی می‌یابد. (کرمی و دیرباز، 1385: ج 7، ص 76).

از برخی سخنان امام علی (ع) تقدم عدالت بر کارایی مصطلح که شرایط آن مشخص است از جمله حضرت در نامه ای به مالک اشتر می‌فرماید: "دیگر اینکه نیکی به بازرگانان و صنعتگران را بر خود بپذیر و سفارش کردن به نیکویی در باره آنان را به عهده بگیر، چه کسی که برجای بود و چه آنکه با مال خود از این سو بدان سو رود و با دسترنج خود کسب کند که آنان مایه‌های منفعتند و پدید آورندگان وسیلت‌های آسایش و راحت... و با اینکه همه بدان که میان بازرگانان بسیار کسانی که معاملتی بد دارند. بخینند و در پی احتکار، سود خود را می‌کوشند و کالا را به هر بها که خواهند فروشند و این سودجویی و گران‌فروشی زیانی است برای همگان و عیب است بر والیان، پس بایدت از احتکار منع نمود که رسول خدا (ص) منع کرد و باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل نه به زیان فروشنده و نه خریدار. (نهج البلاغه، شهیدی، 1373: نامه 53، ص 335).

امیرمومنان (ع) قیمتهای اجحاف آمیز برای فروشنده یا خریدار را بطور کلی نفی می‌کند و وقوع چنین امری را در جامعه اسلامی برای حاکم اسلامی نقص و ضعف می‌شمارد

چرا که اجحاف در قیمت ها برای فروشنده یا خریدار خلاف عدالت است ، چه در شرایط تحقق کارایی اقتصادی اجحاف شود یا بدون کارایی اقتصادی .

کلام حضرت از این جهت اطلاق دارد بنابراین ، رفتار عادلانه در عرصه اقتصادی اگر با کارایی منافاتی نداشته باشد ، شرایط عالی اقتصادی فراهم می آید و در صورتی که بین کارایی و عدالت در عرصه ای از اقتصاد منافاتی پدید آید از کلام پیشین می توان استنباط کرد که عدالت مقدم است . (کرمی و دیرباز، 1385 : ج7، ص 78) .

اجرای عدالت اقتصادی در منظر امام علی (ع)

خداوند در قرآن کریم، هدف از بعثت پیامبران را ایجاد عدالت در میان مردم بیان می فرماید : " ما پیامبران را با نشانه های روشن فرستاده و با آنها کتاب و میزان را نازل کردیم تا مردم برای برپایی عدل پیا خیزند . (سوره حدید، آیه 25) . از این روی ، زیربنای مهم اصلاحات اقتصادی در سیره حاکمان معصوم ، تحقق و اجرای عدالت اقتصادی و مبارزه با تبعیضاتی است که بر گسترش شکاف میان طبقات گوناگون اجتماعی دامن می زنند . این وظیفه مهمی است که پیامبر اکرم (ص) از آغاز بعثت، به انجام آن همت نهاد و پس از ایشان بر عهده امامان معصوم نهاده شد . حضرت علی (ع) در آغاز تصدی مقام حکومت ، دلیل پذیرفتن آن را پی گیری اصلاحات اقتصادی با اجرای عدالت و باز پس گیری حقوق ستم دیدگان و محرومان از ستمگران بر شمرد : " سوگند بر آنکه دانه را شکافت و انسان را بیافرید ، اگر به واسطه حضور حاضران و وجود یاران حجت تمام نمی شد و خدا از دانشمندان پیمان نگرفته بود که بر سیری ظالم و گرسنگی مظلوم راضی نباشند ، هر آینه افسار شتر خلافت را بر پشت آن می انداختم و آن را رها می نمودم . " (نهج البلاغه، خطبه 3) .

به این ترتیب امام (ع) پس از تصدی قدرت سیاسی ، با شعار عدالت اجتماعی و اقتصادی ، اصلاحاتی وسیع و گسترده انجام داد . در نخستین روزهای حکومت خود، با هدف اصلاح ساختار اداری و اقتصادی جامعه ، کارگزاران نالایق را عزل و اموال غارت شده را بدون هیچ مسامحه ای به بیت المال باز گردانید . او پیش از پذیرش این مقام، با مردم اتمام حجت کرد که اگر خلافت را بپذیرد چگونه که خود می داند و به صلاح جامعه اسلامی تشخیص می دهد عمل خواهد کرد و در این راه به سخن هیچ ملامت گری توجه نخواهد کرد . بدیهی است که اعمال این سیاست ، از سوی آن حضرت بر بزرگان قوم خوشایند نبود ، عدالتی که همه افراد جامعه و قبایل را به یک میزان مساوی ، از حقوق شهروندی بهره مند می ساخت ، برای آنان قابل تحمل نبود ، از این روی، با دست آویز ساختن بهانه های واهی همچون مساله خون خواهی عثمان ، بنای ناسازگاری نهاده و به مخالفت با ایشان برخاستند تا به هر شیوه ممکن، سد راه اجرای عدالت از سوی امام شوند . (ملک زاده، 1385 : ص 135) .

زمینه های تحقق عدالت اقتصادی

1- قوانین و حقوق عادلانه

حقوق به دو دسته کلی قابل تقسیم است : الف- حقوقی که عقل انسان، دلیل حق بودن آن را با ملاحظه ارتباط بین فعل و هدف ، بطور مستقل کشف و اثبات می کند مانند حق معاش که زندگی بدون اثبات و اجرای این حق ناممکن می شود .

ب- حق بودن دسته دیگری از حقوق با ملاحظه رابطه بین فعل و هدف ادراک نمی شود و این حقوق فقط از مبدا وحی دست یافتنی اند که به مقتضای مصالح و نیاز انسانها، تنظیم و ابلاغ می شوند. (مصباح یزدی، 1377: ص 46-47) .

دسته دوم، قابل جعل و قرارداد نیستند و آن دسته که قراردادی اند نیز ممکن است در عرفهای گوناگون و موقعیتهای زمانی و مکانی، به ویژه با توجه به وضعیت قانونگذاران و میزان نفوذ آنها تغییر کنند یا به برخی از آنها توجه کافی نشود. رمز نا موفق بودن نظامهای اقتصادی غیر اسلامی، نداشتن حقوق اساسی و قوانین ریشه دار در وحی است ولی حقوق مذکور در نظام اقتصادی اسلام، بطور دقیق و روشن مطرح شده و ما از کلام امام علی (ع) در این زمینه بهره گرفته ایم.

2- تربیت اسلامی و اعتقاد به معنویات

عدالت اقتصادی با زور و سلطه محقق نمی شود و با الهام از آیه 25 سوره حدید می توان اظهار داشت که تا خواست مردم به اجرای عدالت تعلق نگیرد و همکاری لازم با مجریان انجام نپذیرد، عدالت اقتصادی در جامعه حاکم نمی شود. خداوند پس از بیان هدف برانگیختن انبیاء و ارسال کتاب قانون می فرماید: ليقوم الناس بالقسط: تا مردم به قسط رفتار کنند و آن را به پا دارند. (مکارم شیرازی، 1370: ج 23، ص 372). از اینرو، فراهم ساختن زمینه های کافی برای عدالت خواهی و به عبارت دیگر، عبار روبی از روی فطرت عدالت خواهی ضرورت دارد. این مطلب با توجه و اعتماد به حقانیت حقوق اسلامی از یک طرف و توجه به معاد و محاسبه اعمال از طرف دیگر، در جامعه اسلامی نظارت و هدایت می شود.

حضرت می فرماید: "پس از آنکه خدا او را مالی بخشید، از آن به خویشاوندان خود رساند و خوان مهمانی نیکو بگستراند و اسیر را آزاد سازد و رنج دیده را بنوازد و مستمند را بهره مند دارد و وام وامدار را بگزارد و برای درک ثواب، خود را به شکیبایی وا دارد در تحمل بلاها و پرداخت حقوقی که برگردن دارد." (نهج البلاغه، شهیدی، 1373: خطبه 142، ص 138).

3- حکومت اسلامی

تجربه عملی نظامهای سرمایه داری، انتظار اجرای احکام و مقررات، بدون دخالت یا نظارت دولت، به طور خودکار و یا اراده شخصی را ناصحیح و غیر ممکن جلوه داده است و هم اکنون همه کسانی که از آزادی اقتصادی و ... دم می زنند و هنوز بدان پایبند هستند. دخالت یا نظارت دولت را ضروری می دانند. نکته قابل اهمیت، نوع نگرش نظام ها به مسئله ضرورت دولت ها است. بطور خلاصه می توان شرایط تحقق عدالت اقتصادی را در قوانین عادلانه، مجریان عادل و عدالت گستر و ضمانت اجرایی دانست. در این بخش یاستها و ابزارهایی با توجه به شرایط قابل طراحی است که با تکیه بر کلام و سیره امام علی (ع) قابل بررسی می باشد. (کرمی و دیرباز، 1385: ج 7، ص 80).

اهداف غایی حضرت علی (ع) در اجرای اصول اقتصادی

با توجه به گفتار و دقت در رفتار اقتصادی آن حضرت، اصول ذیل را می توان به عنوان اهداف غایی و مقاصد نهایی آن بزرگوار مطرح نمود:

1- رفع تبعیض: اولین سیاست اصولی حضرت، از بین بردن امتیازهای ناروا و ظالمانه ای بود که در سایه ی بنیان گذاری سنت های غلط و حساب نشده ی خلفا در

سالهای گذشته شکل گرفت و به تدریج از حد تعیین شده در دفاتر و دواوین (دفاتر محاسبه و دفاتر عمومی برای ثبت درآمد و هزینه) تجاوز نموده و به صورت سلیقه ای درآمده و موجب تاراج بیت المال و شکاف روزافزون طبقاتی گردیده بود. امام (ع) برای لغو این امتیازات ، سخت پافشاری نمودند ، به گونه ای که بسیاری از دوستان و نزدیکان خویش و سران اصحاب پیامبر (ص) را به همین دلیل از دست دادند. در پاسخ معترضان می فرمودند : " من در کتاب خدا برای فرزندان اسماعیل [یعنی اعراب] فضیلتی بر فرزندان اسحاق [یعنی غیر عرب] ندیده ام . " (محمودی ، 1968م : ج 1، ص 225) . در منطق اسلام ، برتریانسانها بر یکدیگر تنها به تقوا و عمل صالح است ، نه چیزی دیگر . " (شیخ مفید ، 1416 ق:ص 151) .

2- رفع فقر : دومین هدف بنیادین و مقصود اساسی امام (ع) از اصلاح امور معیشتی جامعه اسلامی ، رفع فقر و تنگدستی از کسانی بود که به دلیل بی عدالتی های گذشته ، گرفتار تهنی دستی ناخواسته شده بودند . در آن روزگار میزان درآمد مسلمانان به دلیل فتوحات پی در پی و به دست آوردن غنایم هنگفت ، فراوان شده بود، چنانکه دارالخلافه مشکلی به نام کمبود تولید درآمد نداشت بلکه همه مصایب از توزیع ظالمانه و بی حساب درآمدهای سرشار حکومت نشات می گرفت . حضرت در خطبه ی شفشقیه ، به صراحت به این موضوع اشاره کرده آنرا به عنوان یکی از مهمترین علل پذیرش خلافت مطرح می نماید : " اگر نبود پیمانی که خداوند از علمای امت گرفته ، که در برابر پرخوری ظالمان و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند من افسار شتر خلافت را رها می ساختم . " (نهج البلاغه، خطبه 3) .

اولویت های حضرت علی (ع) در اجرای عدالت اقتصادی

در میان اقدامات و راهکارهای برگزیده حضرت علی (ع) ، دو اقدام ذیل به طور مستقیم و با هدف اصلی رفع اختلاف طبقاتی و فقر زدایی جامعه صورت پذیرفت و در اولویت نخست طرح ساماندهی حضرت قرار داشت که بطور مشخص بدانها پرداخته و به واکنش یاران حضرت در قبال آن اشاره می شود :

1- توزیع مساوی درآمد بیت المال : حضرت علی (ع) در زمینه ی تحقق سیاستهای اصولی خود ، در نخستین روزهای خلافت ، در برابر سنت غلط خلفا (تقسیم غنائم جنگی و عایدات فتوحات و بیت المال بر اساس سوابق افراد در جنگهای صدر اسلام و یا سبقت در ایمان و مانند آن) ایستادگی کردند و تا پایان عمر ، هیچ گاه دست از مخالفت با آن برنداشتند . این در حالی بود که بسیاری از شخصیتهای سیاسی و اجتماعی و حتی مکتبی آن عصر با این اقدام حضرت مخالف بودند و حتی به جنگ با آن بزرگوار پرداختند ولی حضرت هرگز حاضر نشدند دست از تقسیم مساوی بیت المال بردارند . (افشار، 1392 : ص 77) .

از دیدگاه امام علی (ع) به عنوان ولی خدا و جانشین منتخب رسول خدا (ص) ، درآمد حکومت اسلامی از آن خداست . از اینرو حتی حاکم اسلامی نیز حق ندارد آنرا بدون حساب به اطرافیان خود ببخشد بلکه باید در میان بندگان مومن خدا یعنی مسلمانان به عنوان عیال الله به تساوی تقسیم شود . در اواخر دوران حکومت علی (ع) یاران آن حضرت به دلیل سخت گیری های آن بزرگوار در تقسیم بیت المال ، یکی پس از دیگری از ایشان جدا شدند . برخی به معاویه و برخی دیگر به گوشه خانه هایشان خزیدند و دنبال زندگی شخصی خود رفتند. برخی از دوستان حضرت نیز از این وضع ناراحت بودند . بدین روی پس از تامل و چاره جویی ، از حضرت خواستند قدری تسامح به خرج دهد و به قریش و اشراف عرب بیش از غیر عرب و موالی حقوق پردازند تا قدری اوضاع حکومت

سامان پیدا کند سپس مطابق گذشته رفتار کند. حضرت در پاسخ آنها فرمود: " آیا به من می گوئید پیروزی را با ظلم بر کسانی که به ولایت و حکومت بر آنها برگزیده شده ام به دست آورم؟ والله، تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان آسمان در پی یکدیگر طلوع و غروب می کنند چنین نخواهم کرد. اگر آن مال از آن من هم بود در میانشان به صورت مساوی تقسیم می کردم چه رسد به اینکه آن مال خداست. " (نهج البلاغه، خطبه 126).

این جملات صریحا می فرماند که از نظر حضرت علی (ع)، جلب رضایت خواص با اعطای امتیازات ویژه از بیت المال به آنها خیانت به توده مردم مسلمان و ستم در حق سایر قشرهای مملکت است. جایگاه یک مسئول در نظام اسلامی چنان حساس است که حتی هنگام انفاق اموال شخصی خود به دیگران نیز باید همه را به یک چشم بنگرد و اموالش را یکسان و عادلانه انفاق کند.

2- مصادره ی ثروت های باد آورده: حضرت علی (ع) تنها اصلاح روشهای توزیع گذشته را برای ساماندهی اقتصادی آینده کافی نمی دانستند بلکه معتقد بودند ثروتهایی که در دوران عثمان به ناحق به این و آن بخشیده شده باید به خزانه ی بیت المال باز گردد. عثمان مبالغه هنگفتی از اموال عمومی را به افراد خاندان، دوستان و آشنایان خود می بخشید و از این طریق، با جلب رضایت آنان، پایه های حکومت خود را محکم می کرد، زمین های زیادی از بیت المال را غیر عادلانه بین افراد خاصی تقسیم می نمود و گاهی خمس غنایم برخی از فتوحات را یکجا به یکی از بستگانش می بخشید. حضرت علی (ع) به محض تصدی خلافت، تمام زمین هایی را که عثمان به این و آن واگذار نموده بود، مال خدا خواندند و دستور باز گرداندن آنها را به بیت المال صادر نمودند. (افشار، 1392: ص 83).

آن حضرت معتقد بودند نه تنها قشرهای ضعیف و محروم جامعه بلکه قشرهای متمول و سرمایه دار اجتماع نیز در پرتو عدالت اجتماعی از آسایش و رفاه ویژه ای برخوردار خواهند شد که هرگز در سایه ی جفاکاریهای اقتصادی بدان نخواهند رسید. چرا که اولاً، چپاول و دزدی اموال توده مردم جامعه موجب بغض و کینه آنان نسبت به صاحبان اموال نامشروع شده، امنیت و آسایش آنها را سلب خواهد کرد. از اینرو امام علی (ع) به صاحبان ثروتهای بادآورده می فرمودند: " هر کس تاب اجرای حق را نداشته باشد، جریان باطل بر او بی تاب کننده تر خواهد بود. " (مسعودی، 1409 ق:ص 158).

خطاب به ولید و دوستانش نیز می فرمود: " گمان نکنید تنها از راه ظلم و تصاحب اموال عمومی می توان به رفاه رسید، خیر، عدل نیز موجب آسایش و گشایش زندگی تان خواهد شد. " (یعقوبی، 1414 ق:ج 2، ص 178-179).

سیاست ها و راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی از منظر امام علی (ع)

سیاستهای کلی برای برقراری عدالت اقتصادی را که در مکتب اقتصادی اسلام مطرح و در کلام و سیره امام علی (ع) بروز و ظهور یافته است می توان به دو دسته تقسیم کرد: توازن اقتصادی و تکافل اجتماعی.

الف- توازن اقتصادی

تمرکز ثروت، موجب برهم خوردن نظم اجتماعی و شکاف طبقاتی در اجتماع می شود لذا در نظام اقتصادی اسلام با الهام از ریاالران کریم و احادیث امامان و نیز سیره اقتصادی و مدیریتی آنان، برای تمرکز زدایی از ثروت و سرمایه در دست طبقه و افراد

خاص برنامه ریزی شده است . سیاستهای تمرکز زدایی ثروت را در نظام اقتصادی اسلام در موارد زیر خلاصه می شود :

1- تعیین حدود مالکیت ها : در نظام اقتصادی اسلام ، مالکیت منابع تولیدی و تولیدات ، به سه گروه تعلق گرفته است : بخش خصوصی ، بخش دولتی و عموم مردم . در نظام اقتصادی اسلامی ، با الهام از مکتب اقتصادی اسلام که نشأت گرفته از وحی و سخنان نورانی امامان است ، افزون بر مالکیت خصوصی ، دو نوع مالکیت دیگر (مالکیت دولتی و عمومی) نیز به رسمیت شناخته شده و در تعابیر امام علی (ع) بدان توجه خاصی شده است . (کرمی و دیرباز ، 1385 :ص82) .

سیاست تعدد مالکیت ها و تعیین حدود و مرزهای هر یک ، به ویژه منظور کردن بخشی از درآمدها برای عموم مردم و تقسیم مساوی در بین آنان ، می تواند در جهت جلوگیری از تمرکز ثروت در دست عده ای خاص و برچیدن سفره فقر و شکاف طبقاتی تفسیر شود . امام علی (ع) فلسفه تقسیم منابع مالی بیت المال بطور مساوی در بین مردم را جلوگیری از تمرکز ثروت در دست ثروتمندان معرفی می فرماید . از سخنان حضرت به دست می آید که بخشی از درآمدها و منابع مالی ، در مالکیت بخش خصوصی یا دولتی در نمی آید و به عموم مردم اختصاص دارد . از اینرو بطور مساوی بین آنها تقسیم می شود . از جمله این درآمدها ، خراج است که حضرت همه مردم را هزینه خوار خراج و خراج دهندگان می داند : " لان الناس کلهم عیال علی الخراج و اهله . " (نهج البلاغه ، نامه 53) و به والی مداین دستور می دهد که خراج زمین ها را جمع کند و آنها را با رعایت انصاف ، بر اساس قانون حق و عدل بطور مساوی تقسیم نماید (محمدی ری شهری ، 1421 ق: ج4، ص196) .

تقسیم بیت المال بطور مساوی از جمله سیاستهایی است که حضرت علی (ع) به پیروی از پیامبر اکرم (ص) و با اهداف خاصی انجام می داد . تغییراتی که خلفای سه گانه در سنتهای پیامبر پدید آورده بودند . برای بسیاری از مردم قابل هضم و قبول نبود و معمولا از امام علی (ع) گله و شکایت می کردند ولی امام برای تحقق عدالت اقتصادی و انجام دستورهای الهی ذره ای مسامحه نمی کرد .

2- توزیع ثروت و درآمد : حدود مالکیت ها و انواع آن ، با هدف توزیع ثروت و درآمد در بین همه گروههای جامعه و عدم تمرکز آن در دست گروهی خاص تعیین شده است بنا بر این ، توزیع درآمدها در نظام اقتصادی اسلام ، دارای اهمیت خاصی است زیرا توازن اقتصادی و در پرتو آن ، عدالت اقتصادی که رعایت حقوق همه افراد را به همراه دارد بدون سیاستهای درست توزیعی میسر نیست . از اینرو وجود طبقات فقیر و ضعیف در جامعه اسلامی را نمی توان پذیرفت و در سخنان امام علی (ع) تاکید بسیاری بر رعایت حال ضعیفان و برخورداری آنها از حقوقشان ملاحظه می شود . سیاستهای توزیع درآمد در اسلام به گونه ای است که با اجرای آن ، فقری باقی نمی ماند و همه از سطح قابل قبول زندگی برخوردار خواهند بود . امام علی (ع) جامعه زمان خود را که سیاستهای توزیع در آن درست انجام گرفته است اینگونه وصف می نماید : " همه مردم کوفه برخوردارند و در آسایش به سر می برند به طوری که همه از خوراک مناسب (نان گندم) ، مسکن و سرپناه کافی و آب سالم استفاده می کنند . " (مجلسی ، 1403 ق: ج40، ص327) .

عدالت خواهی امام علی (ع) موجب شد که از تضييع حقوق عده ای به نفع ثروتمندان جلوگیری شود و پدیده فقر از جامعه علوی رخت بر بندد و درآمدهای جامعه به صورت متوازن در بین همه افراد توزیع شود . بدیهی است که از دیدگاه حضرت ، سیاستهای

اقتصادی به ویژه سیاستهای توزیعی، باید تا برخورداری همگان از رفاه نسبی ادامه یابد. این مساله در نظام اسلامی اهمیت فراوانی دارد و برای پیش از تولید، حین تولید و پس از آن، احکام و مقررات مخصوصی وضع شده تا بر اساس آنها سیاست گذاری مناسب صورت گیرد. مالکیت یا نظارت بر توزیع ثروتهای طبیعی مانند زمین، آب، معادن، جنگل ها، مراتع و... تحت ضابطه خاصی (پیش از تولید و تبدیل به کالا) مطرح و حدود و ضوابط آن تعیین شده است. نظام اسلامی از قرار گرفتن این منابع در دست سرمایه داران جلوگیری و به حدود و مقررات توزیع مجدد درآمدها به صورت دقیق توجه کرده است. (کرمی و دیرباز، 1385: ص 84-85).

3- ایجاد بخش عمومی: قوانین عادلانه مالکیت و سیاستهای توزیع عادلانه ثروت و درآمد برای ایجاد توازن اقتصادی، در رسیدن به عدالت اقتصادی کافی نیست بلکه تحقق عدالت به قوه مجریه عادلانه نیاز دارد که با اعمال سیاستهای توزیعی و به کارگیری قوانین، عدالت را تامین کند. در کلام علی (ع) که حاکم عادل اسلامی است و نیز در سیره عملی وی به موارد متعددی بر می خوریم که ضمن تبیین نقش دولت و لزوم ایجاد بخش عمومی، وظایف و اختیارات آن را بیان فرموده و پیش از پیدایی نظریات حذف دولت، عواقب خطرناک این نظریه را نشان داده است. گرچه اعتقاد به حذف دولت در بین طرفداران جدی نظام بازار نیز امروزه وجود ندارد نگرش اسلامی در باره ضرورت دولت و حدود اختیارات آن به طور کامل با دیدگاه ژانان متفاوت است زیرا آنان ایجاد بخش عمومی را فقط برای حفظ منافع شخصی، ضروری می شمارند و عدالت مورد نظرشان، حفظ آزادیهای اقتصادی و برابری در فرصتهای اقتصادی است. در صورتی که در نظام اقتصادی اسلام، بخش عمومی و دولت یکی از ارکان نظام به شمار می آید و وظیفه اصلی آن، اجرای قوانین و احقاق حقوق شهروندان است. (کرمی و دیرباز، 1385: ص 85).

امام جلوگیری از تضییع حقوق مظلومان را وظیفه عالمان می داند و پذیرش حکومت را برای این مقصد مطرح می فرماید. از دیدگاه ایشان خداوند امامت و رهبری را لازم شمرده و مردم باید آنرا به صورت یک اصل بپذیرند نه اینکه در صورت وقوع هرج و مرج یا شورش و اعتصاب، برای حفظ منافع شخصی و گروهی به آن تن دهند.

ب- تکافل اجتماعی

افراد جامعه بدون شک با یکدیگر همسان و برابر نیستند. برخی تواناییهای جسمی و استعدادهای سرشاری دارند و برخی ضعیف ترند. از اینرو در هر جامعه ای سطح درآمدها با توجه به امکانات هر فرد متفاوت است یا برخی برای امرار معاش درآمد کافی ندارند. پرسش این قسمت مربوط به دیدگاه امام علی (ع) در برخورد با افراد بیمار، معلول جسمی و ذهنی، ورشکسته، ناتوان، بیکار و به عبارت جامع، نیازمند است. آیا این طبقات از افراد جامعه حقی دارند و این حقوق چگونه استیفا می شود؟ در اینجا مکانیزم احقاق حق این دسته از نیازمندان و روش عادلانه در برخورد با آنان مورد نظر است. امام طبقات گوناگون جامعه را ضمن کلامی اینگونه تقسیم کرده است: "و بدان که رعیت را صنف ها است که کار برخی جز به برخی دیگر راست نیاید و به برخی از برخی دیگر بی نیازی نشاید. از آنان سپاهیان خدایند و دبیران که در نوشتن نامه های عمومی و یا محرمانه انجام وظیفه نمایند و از آنها داورانند که کار به عدالت دارند و عاملانند که کار خود به انصاف و مدارا رانند و از آنان اهل جزیه و خراجند از ذمیان و مسلمانان و بازرگانانند و صنعتگران و طبقه فرودین از حاجت مندان و درویشان و خدا نصیب هر دسته را معین داشته و میزان واجب آن را در کتاب خود یا سنت پیامبرش

نگاشته که پیمانی از جانب خدا است و نگهداری شده نزد ما است . " (نهج البلاغه ، نامه 53 ، ص 329) .

حضرت پس از شمارش طبقات و افراد جامعه ، نقش هر یک را بیان فرموده ، به والی مصر سفارش می کند که هر یک حقوقی دارد که باید رعایت شود و با تاکید فراوان ، او را به رسیدگی به طبقات ضعیف جامعه و رعایت حقوقی که پروردگار برای آنها قرار داده توصیه می کند . از دیدگاه امام علی (ع) که از قرآن کریم الهام گرفته ، در چنین وضعیتی ، نیازمندان جامعه از داراییهای ثروتمندان سهم می برند یا اگر دولت اسلامی منابع کافی در اختیار دارد برای ادامه حیات آنها صرف می کند . به عبارت روشن تر ، نیازمندان در اموال ثروتمندان و بیت المال ، صاحبان حق و شریکند . حضرت می فرماید : " خدای سبحان روزی درویشان را در مالهای توانگران واجب داشته ، پس درویشی گرسنه نماند جز که توانگری از حق او ، خود را به نوایی رساند و کردگار ، توانگران را بازخواست کند از این کار . " (نهج البلاغه ، حکمت 328 ، ص 420) .

نتیجه گیری

در اندیشه امام علی (ع) ، عدالت شرط لازم و ضروری توسعه ی اقتصادی جامعه است چنانکه بدون عدالت هرگز با افزایش تولید درآمد ، نمی توان رفاه همگانی را به ارمغان آورد بلکه پس از مدتی جامعه به بن بست خواهد رسید . عدالت اقتصادی به قدری اهمیت دارد که گاه حاکم اسلامی باید افزایش تولید جامعه را فدای برقراری عدالت و توزیع عادلانه درآمد موجود کند . توزیع نابرابر بیت المال موجب رفاه مادی قشری خاص و محرومیت سایر قشرهای جامعه خواهد شد ولی توزیع عادلانه آن موجب آسایش و رفاه نسبی تمام قشرها خواهد گردید . نابسامانی های ناشی از سیاست های غلط تقسیم درآمد در گذشته ، تنها با کنار نهادن شیوه ی گذشته سامان نمی یابد بلکه باید در کنار آن ، اموالی که به ناحق از حساب عمومی برداشته شده و به جیب افرادی خاص ریخته شده است ، بازگردانده شود . ملاک مصادره ی ثروتهای بادآورده انباشت آن از طریق غیر قانونی نیست . معیار اساسی ، ناحق و غیر مشروع بودن آن است . از اینرو ، اگر حاکمی همچون عثمان هم به ناحق اموال مسلمانان را به دیگران ببخشد در عین قانونی بودن ، باید مصادره شود .

تامین اقتصاد جامعه در کنار حفظ دیانت مردم ، یکی از مبانی فلسفی حکومت اسلامی است لذا اقتصاد یکی از موضوعاتی است که مورد توجه اسلام قرار گرفته و به آن پرداخته شده است . الگوی اقتصادی دوران کوتاه حکومت امام علی (ع) مصداق جامع و الگویی ماندگار از نظام اقتصادی اسلام است ، که با ایجاد اصلاحات اقتصادی در سطوح وسیع ، تغییر و تحولات عظیمی را در جامعه به وجود آورد که جلوه عدالت آن تا سالیان متمادی جامعه را دگرگون ساخت . بحث اقتصاد مقاومتی دارای یک عقبه بسیار قوی و عمیق دینی است . در واقع این مکتب فکری یک مکتب فکری دینی است که به دنبال شکل گیری اقتصادی فعال ، خود اتکا ، تلاش گرو بدون نظر و چشم داشت به اقتصاد کشورهای دیگر است .

از سخنان و سیره حضرت به دست می آید که شرایط تحقق عدالت ، قوانین عادلانه و تربیت درست و اعتقاد به معنویات و وجود مجریانی عادل و به دور از هواهای نفسانی است که با تحقق شرایط مذکور ، امکان برنامه ریزی جهت توازن اقتصادی و تکافل اجتماعی فراهم می شود . سیاست توازن اقتصادی برای جلوگیری از تمرکز ثروت در گروه خاصی از جامعه و تشکیل انحصارها است که این سیاست با تعیین قلمرو مالکیت ها ، حقوق و روشهای توزیع ثروت و وظایفی که بر عهده بخش عمومی نهاده شده است

پی گرفته می شود و هماهنگ با یکدیگر توازن اقتصادی را پدید می آورند. از نظر امام علی (ع) موانعی که بر سر راه تامین عدالت اقتصادی وجود دارد در پنج بخش خلاصه می شود: ربا، احتکار، تبعیض، حکومت جور و حاکمان ظالم، عدم رعایت حقوق والی از طرف مردم.

منابع:

- قرآن کریم
- افشار، اسدالله (1390) فرهنگ، توسعه، عدالت و جهاد اقتصادی، تهران: انتشارات الماس دانش.
- افشار، اسدالله (1392) رشد، پیشرفت، توسعه اقتصادی، ضرورتی اجتناب ناپذیر، تهران: نشر سفیر اردهال.
- اشرفی امین، یونس (1396). شاخص‌های پیشتازی و ایستایی اقتصادی مسلمانان در چهار دهه نخست هجری در پرتو نهج البلاغه، پایان نامه دکتری تخصصی رشته الهیات و معارف اسلامی- علوم و معارف نهج البلاغه، استاد راهنما: مصطفی دلشادتهرانی، استاد مشاور: محمدهادی امین‌ناجی استاد مشاور: ناصر محمدی، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران جنوب.
- جلالی پور، رضوان (1394). شاخصه های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه امام علی (ع) با تاکید بر نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی محمد میرجلیلی استاد مشاور: سیدحسین علی دانش، دانشگاه یزد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- دلشادتهرانی، مصطفی (1392) دلالت دولت، آیین نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر، تهران: انتشارات دریا.
- دلشادتهرانی، مصطفی (1391) رخساره خورشید: سیره امام علی (ع) در نهج البلاغه، ویراستار حسن رفعتی، تهران: انتشارات دریا.
- رشاد، علی اکبر (1385) دانشنامه امام علی (ع)، جلد هفتم (اقتصاد)، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- قاسمی، وحید (1392) جمهوری علوی، تهران: انتشارات آرام دل.
- کرمی، محمد مهدی و عسکر دیرباز (1385) دانشنامه امام علی (ع)، ج 7، اقتصاد، زیر نظر علی اکبر رشاد، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (1416ق) الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- محمدی ری شهری، محمد (1421 ق) موسوعه الامام علی بن ابیطالب، قم: دارالحدیث.
- مهدوی سیرت، نرجس (1393) الگوی اقتصاد مقاومتی در نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی دارالقران الکریم اصفهان.

- محمدی صیفار ، مهدی (1393) اندیشه و روش اصلاح جامعه از دیدگاه امام علی (ع) ، تهران : انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) .
- ملک زاده، محمد (1385) سیره سیاسی معصومان (ع) در عصر حاکمیت، تهران : کانون اندیشه جوان .
- مجلسی ، محمد باقر (1403 ق) بحارالانوار ، بیروت : موسسه الوفاء .
- مکارم شیرازی ، ناصر (1370) تفسیر نمونه ، تهران : دارالکتب الاسلامیه .
- مصباح یزدی ، محمد تقی (1377) حقوق و سیاست در قرآن ، قم : انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) .
- مسعودی ، علی بن الحسین (1409 ق) اثبات الوصیه للإمام علی بن ابیطالب ، بیروت : دارالضواء .
- محمودی ، محمد باقر (۱۹۶۸ م) نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه ، بیروت : موسسه المحمودی ، ج 1 .
- نهج البلاغه (1373) گردآوری سید شریف الرضی ، ترجمع سید جعفر شهیدی ، تهران : انتشارات علمی و فرهنگی .
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (1389) تاریخ یعقوبی ، مترجم: محمد ابراهیم آیتی، تهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ، ج 2،
- یعقوبی ، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح (1414ق) تاریخ یعقوبی ، قم : شریف رضی ، ج 2 .